

در این شماره

جابجایی مهره ها تأثیری نخواهد داشت

در ص ۲

شرکت نماینده حزب توده ایران در پنجاهمین

در ص ۳

سالگرد «لیبریشن»

«نسل کشی روزنامه نگاری را متوقف کنید»

در ص ۷

تلاش پونین برای «انشعاب» در حزب کمونیست

در ص ۸

فدراسیون روسیه

دورنمای برنامه اقتصادی مجلس

هفتم: سمت گیری اقتصادی

اجتماعی به سود کلان سرمایه داری

صندوق بین المللی پول در یکی از آخرین گزارشات خود، تحت عنوان چشم انداز از اقتصاد جهان، در بخش مربوط به ایران پیش بینی کرده است که، رشد اقتصادی در جمهوری اسلامی در مرز ۹/۵ درصد خواهد بود و در صورت ادامه اصلاحات اقتصادی، کشور از رشد و ثبات برخوردار می گردد!

در پی این گزارش که در رسانه های همگانی

ادامه در صفحه ۴



شماره ۶۹۱، دوره هشتم

سال بیستم، ۳۰ تیرماه ۱۳۸۳

در لابلای خبرها

برگزاری سیزدهمین کنگره حزب

دموکرات کردستان ایران

بر اساس گزارش رادیو حزب دموکرات کردستان ایران، سیزدهمین کنگره این حزب، صبح روز شنبه ۱۳ تیرماه، کار خود را شروع کرد و پس از ۵ روز عرصه روز چهارشنبه ۱۷ تیرماه، با موفقیت، کار خود را پایان داد. بر اساس همین گزارش رفیق عبدالله حسن زاده گزارش کمیته مرکزی حزب دموکرات کردستان را به کنگره ارائه داد. در این گزارش ضمن اشاره به وضعیت بین المللی، از آخرین دهه قرن بیستم و تحولاتی که منجر به تحولات سیمای سیاسی جهان و صف بندی اقتصادی و بازرگانی در قبال آمریکا، مساله تروریسم و گسترش آن در مناطق مختلف جهان مورد بحث قرار گرفت و نتایج آن توضیح داده شد. گزارش با تمرکز روی تروریسم جمهوری اسلامی ایران به مشکلات مسیر مبارزه علیه تروریسم اشاره کرد و راه اصولی برای مبارزه علیه این پدیده زشت از سوی حزب دموکرات کردستان مورد بحث قرار گرفت. این گزارش ضمن اظهار نظر درباره وضعیت عمومی خاورمیانه و

ادامه در صفحه ۲

سالروز پذیرش قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل متحد و تأملی

بر سیاست های جنگ، صلح و سرکوب رژیم ولایت فقیه

هشدار باش داد و با آغاز جنگ تحمیلی رزمندگان توده ای، از جمله گروهی از شریف ترین افسران میهن ما، همچون افضلی، کبیری، افزایی و صدها رزمنده دیگر که بعدها به دست مزدوران رژیم به قتل رسیدند به جبهه های جنگ شتافتند و در کنار دیگر آزادی خواهان ایران به دفاع از مرز و بوم کشور پرداختند. اگر جنگ در مراحل نخستین آن جنگی تحمیلی و مقابله با آن دفاع و وظیفه ملی بود با شکست نیروهای عراق در خرمشهر و آزادی سرزمین های اشغال شده کشور و سپس هجوم ارتش ایران به خاک عراق با شعار ضد ملی و خیانتکارانه «جنگ جنگ تا آزادی کربلا»، ماهیتی ضد ملی و تهاجمی پیدا کرد. بر خلاف ادعای اعلامیه سپاه پاسداران رژیم، سران حکومتی در خرداد ماه ۱۳۶۱، فرصت طلایی را برای خاتمه دادن به جنگ و تحقق همه خواست ایران به دست آوردند که این فرصت با خیانت آشکار به منافع ملی ما و با برداشت های ابلهانه و کشور گشایانه برای «گسترش امپراتوری اسلام» به فاجعه بی خانمان سوز تبدیل گردید که به خاطر آن صدها هزار جوان ایرانی و عراقی جان خود را از دست دادند و صدها

روز ۲۷ تیرماه ۱۳۸۳، مصادف بود با شانزدهمین سالگرد قبول قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل متحد از سوی رژیم ولایت فقیه. به همین مناسبت از سوی سپاه پاسداران رژیم اطلاعیه بی صادر شد که در آن از جمله آمده است: «جمهوری اسلامی ایران از همان ماه های نخستین جنگ و هجوم وحشیانه ارتش بعثی عراق و اشغال بخش هایی از سرزمین ایران برای پایان جنگ شرایط منطقی و منصفانه خود را با تاکید بر خروج بدون قید شرط اشغال گران از خاک میهن اسلامی اعلام کرد، اما استکبار جهانی و ابرقدرت های زمان بدون توجه به اراده نظام و ملت ایران با حمایت های بیدریغ خود صدام عقلی را به ادامه جنگ و جنایت تشویق نمودند...»

جنگ بر ضد ایران، بی شک توطئه ای بود که از سوی امپریالیسم جهانی با هدف ضربه زدن به انقلاب نوپای کشور ما تدارک دیده شد و به دست دیکتاتور عراق، صدام حسین به مرحله اجرا گذاشته شد. حزب توده ایران نخستین نیروی سیاسی کشور بود که در این زمینه

ادامه در صفحه ۶

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

ادامه لابلای خبرها ...

جابجایی مهره ها تأثیری نخواهد داشت

بحث درباره برگزاری انتخابات ریاست جمهوری آینده با شدت و حدت در محافل سیاسی کشور در جریان است. بر اساس گزارش پایگاه اینترنتی «رویداد»، علیرضا رجایی، از نمایندگان سرشناس نیروهای «ملی-مذهبی» در گفتگو با خبرنگار «رویداد»، روز سه شنبه ۲۳ تیرماه از جمله گفت: «در جریان دو دوره ریاست جمهوری آقای خاتمی، مشخص بود که او نمی تواند انتظاراتی را که مردم رأی دهنده از او دارند، برآورده کند.» وی افزود: «تا زمانی که قانون به این صورت باشد ... تقریباً هیچ راه علاجی در چارچوب منطق و نهادهای رسمی و سیاسی موجود برای مقابله با این مسأله وجود ندارد.»

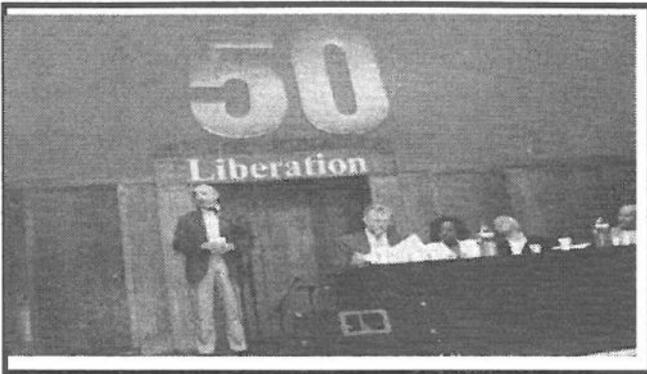
به گفته رجایی تنها راهکار مقابله با روی کار آمدن «یک رئیس جمهور تدارکاتچی»، «شکل گیری یک جنبش اجتماعی» است که «بتواند مطالبات خود را از طریق راه های نهادهای موجود از رئیس جمهوری بگیرد.» رجایی در ادامه افزود: «مهم نیست چه اقشاری در این جنبش اجتماعی به ایفای نقش پردازند، بلکه مهم میزان قدرت تأثیرگذاری در ساختار سیاسی است که ابزار سرکوب موجود نتواند آنها را مهار کند.»

به گفته رجایی «تا زمانی که موازنه قوا به همین شکل باشد، هیچ راه برون رفتی وجود نخواهد داشت ...

تنها عرصه های مدنی برای اصلاح طلبان هموار است تا بتوانند حوزه ایدئولوژیک را در داخل جامعه مدنی افزایش دهند و پایگاههای خودشان را مستحکم سازند.» رجایی افزود: «در وضع فعلی نباید انتظار داشت که نظام سیاسی به سرعت دگرگون شود مگر اینکه یک چهره سیاسی مورد قبول از صافی های شورای نگهبان عبور کند و به دلیل ویژگی های شخصیتی آرای وسیعی را جلب کند وی تصریح کرد: «اگر در این دوره هم پست ریاست جمهوری در دست جناح راست قرار نگیرد، نمی توان امیدوار بود که رئیس جمهور به هدف هایی فراتر از خاتمی دست یابد مگر اینکه بنابر تجربه هشت سال گذشته از ابتدا تکلیف خود را با بن بست های سیاسی روشن کند.»

همچنین مسائل مهم منطقه از جمله مسأله فلسطین و اختلافات اسرائیل و اعراب به تحولات منطقه و رویدادهای افغانستان و عراق و نتایج آن پرداخت و مواضع حزب در این عرصه ها را اعلام کرد. محور دیگر گزارش کمیته مرکزی حزب دموکرات، بحث درباره خاورمیانه بزرگ بود که در آن مجموعه مسائل مربوط به این مسأله مورد بررسی قرار گرفت. در تحلیل وضعیت ایران، گزارش کمیته مرکزی حزب دموکرات ضمن اشاره به ادامه اقدامات سرکوبگرانه و نقض حقوق و آزادی های مردم ایران از سوی رژیم جمهوری اسلامی از یک سو، و ریختن ترس مردم و رفع ابهام بخش عمده مردم کشورمان از امکان رفهم در داخل رژیم بطور خاص، از سوی دیگر به بررسی یک دست شدن نظام پس از انتخابات مجلس هفتم و شناخت بیشتر ماهیت رژیم در داخل و خارج کشور و تلاش رژیم برای کسب سلاح اتمی پرداخت. ارزیابی اپوزیسیون ایران و نیروهای سیاسی ایران بخش دیگری از گزارش کمیته مرکزی برای کنگره سیزدهم حزب دموکرات بود که در این بخش از گزارش نقاط ضعف و قدرت اپوزیسیون و وظایف کنونی آن مورد بررسی قرار گرفت. گزارش کمیته مرکزی اهمیت کاملی برای مسأله کرد قائل شده و به این اشاره کرده است که مبارزه کردها از چارچوب محدود مناطق کردنشین خارج شده و عملاً تبدیل به مسأله بخشی از ساکنان بسیاری از کشورهای پیشرفته و صنعتی بخصوص در آمریکا و اروپا و کانادا و استرالیا شده است. همچنین در این رابطه وضعیت کردستان عراق به طور مفصل مورد بحث قرار گرفت و ضرورت ارتقا هوشیاری ملی در همه بخشهای کردستان مورد تأکید قرار گرفت. گزارش کمیته مرکزی حزب دموکرات در ارتباط با کردستان ایران، به وضعیت ناهنجار زندگی مردم و بیکاری و ناداری و عقب مانده نگاه داشتن کردستان اشاره کرد. گزارش در بخش اشاره به تاریخ حزب دموکرات، به قریب ۶۰ سال مبارزه این حزب و فراز و نشیب های آن اشاره کرده و موضع حزب را در قبال مردم کردستان و احزاب سیاسی آن مشخص کرد و فدرالیسم را بهترین شیوه برای حل مسائل ملی در چارچوب ایران دانست. در بخش دیگر گزارش کمیته مرکزی، به طور خاص بر اهمیت دادن به فعالیت های حزب در مبارزه آزادی خواهانه مردم کردستان تأکید شده است. گزارش کمیته مرکزی در چند جلسه شرکت کنندگان کنگره، به طور مفصل مورد بحث قرار گرفته است و با رأی کلیه شرکت کنندگان تصویب شد. در بخش دیگر کار کنگره، برنامه و اساسنامه داخلی حزب مورد بحث و بررسی قرار گرفته و تغییرات ضروری در آن صورت گرفت که چشمگیرترین آن، تغییر شعار استراتژیک حزب دموکرات کردستان (که تا قبل از کنگره «دموکراسی برای ایران و خودمختاری برای کردستان بود») به ایجاد یک سیستم دموکراتیک و فدرالی و پلورالیستی در ایران و تأمین حقوق ملی برای خلق کرد در کردستان بود. بر اساس همین گزارش در انتهای کار اعضای جدید کمیته مرکزی و هیئت سیاسی حزب انتخاب شدند و مصطفی هجری به عنوان دبیر کل جدید حزب برگزیده شد. حزب توده ایران ضمن تبریک برگزاری سیزدهمین کنگره حزب دموکرات کردستان ایران و استقبال از اتخاذ شعار «فدرالیسم» به عنوان «بهترین شیوه برای حل مسائل ملی در چارچوب ایران»، هم چنان که در مصوبات کنگره های حزب توده ایران نیز آمده است، برای رهبری، کادرها و اعضای حزب دموکرات در مبارزه بر ضد ارتجاع حاکم آرزوی موفقیت دارد. حزب توده ایران امیدوار است که برگزاری سیزدهمین کنگره حزب دموکرات سرفصل نوینی در بسط و گسترش مبارزه هماهنگ این حزب با دیگر نیروهای ترقی خواه میهن ما باشد.

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!



پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران خطاب به دهمین

کنگره حزب کمونیست فدراسیون روسیه

کنگره دهم حزب کمونیست فدراسیون روسیه در روز ۱۳ تیرماه در مسکو برگزار گردید. دستور کار این کنگره شامل استماع و تصویب گزارش کمیته مرکزی و کمیته بازرسی مرکزی حزب، تغییرات در منشور و سند برنامه یی حزب و انتخاب کمیته مرکزی و کمیته بازرسی مرکزی بود. در فراخوان کنگره به «شرایط کیفیتاً نوینی که در روسیه و جهان پدیدار شده» اشاره شده است. نمایندگان کنگره با اهمیت حزب کمونیست فدراسیون روسیه و وظیفه ارزیابی کارکرد و فعالیت های حزب در بین دو کنگره و تعیین استراتژی و تاکتیک حزب را با در نظر گیری ضرورت توسعه روندهای سیاسی و اقتصادی در کشور برای سال های آتی به عهده داشتند. محور اصلی وظایف کنگره دهم کمونیست های روسیه توجه به موضوعات مربوط به تقویت سازمانی و ایدئولوژیک حزب و تقویت آن در جامعه بود. در پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران خطاب به کنگره دهم حزب کمونیست فدراسیون روسیه پس از اظهار تهنیت به نمایندگان کنگره از جمله آمده است: «حزب توده ایران از نزدیک مبارزه پیچیده حزب شما، حزب لنین و انقلاب بلشویکی را برای هدایت مبارزه مردم روسیه برای یک کشور صلح طلب، مدرن و مرفه، دنبال می کند. موفقیت حزب کمونیست فدراسیون روسیه در این مبارزه ناگزیر بر موازنه نیروها در سطح جهان و منطقه اثر خواهد گذاشت و تأثیرات دامنه داری بر کارزار جهانی برای صلح، پیشرفت و عدالت اجتماعی خواهد داشت. ما تعهد حزب توده ایران را به روابط تاریخی و عمیق بین دو حزبمان تصریح می کنیم. پیوند بین کمونیست های روسیه و ایران ریشه در مبارزه مشترک مردم کشور های مان برای صلح و پیشرفت و برضد امپریالیسم دارد. ما مایلیم که تعهد خود را به تقویت و توسعه بیشتر روابط دوجانبه بین احزابمان با هدف حصول اهداف مشترکمان برای حقوق مردم زحمتکش و برضد «جهانی شدن» امپریالیستی اعلام کنیم. در طول سالیان طولانی مبارزه برضد دیکتاتوری و حکومت های ستمگر در طول رژیم های شاه و جمهوری اسلامی، ما همیشه از حمایت و همبستگی شما برخوردار بوده ایم. پایداری حزب کمونیست فدراسیون روسیه در راه مبارزه برای صلح و سوسیالیسم و نقش پر نفوذ آن در تحولات عمده سیاسی در روسیه منبع غروری است برای کمونیست ها و نیروهای مترقی که در گیر مبارزه برای ساختمان جوامع نوین در همه مناطق جهان هستند.» پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران پس از اشاره به شرایط پیچیده و حساس بین المللی و همچنین ارائه محورهای عمده تحلیل حزب از تحولات کنونی کشور، پیروزی کنگره دهم در فرمول بندی برنامه های استراتژیک و تاکتیکی حزب برادر برای تغییرات رادیکال اقتصادی - اجتماعی در روسیه را آرزو کرده، و به مبارزه حزب کمونیست فدراسیون روسیه برای صلح، ترقی و سوسیالیسم ارج می نهد.

شرکت نماینده حزب توده ایران در مراسم پنجاهمین سالگرد تأسیس «لیبریشن» (جنبش مبارزه بر ضد استعمار)

پنجاهمین سالگرد تأسیس «لیبریشن» (جنبش مبارزه بر ضد استعمار)، با شرکت صدها تن از شخصیت های سیاسی، اجتماعی، نمایندگان احزاب کارگری و کمونیستی در لندن برگزار شد. به دعوت شورای مرکزی «لیبریشن» نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران، در کنار تونی بن، چهره سرشناس چپ و عضو سابق پارلمان، جرمی کوربین نماینده جناح چپ حزب کارگر در پارلمان، و از فعالان جنبش ضد جنگ در انگلستان، فرستاده شهردار لندن، دبیر اول سفارت کوبا، نماینده دولت فلسطین، و ایوان ریدلی، خبرنگار معروف که در افغانستان به دست طالبان ربوده شده بود، از سخنرانان اصلی این جشن بزرگ بودند. سازمان «لیبریشن» بیش از پنجاه سال پیش، به دست شخصیت های برجسته یی همچون قوام نکرومه، و فنبروک وی (از بنیان گذاران جنبش جهانی صلح)، با نام «نهضت مبارزه با استعمار» در لندن پایه گذاری شد و در طول پنجاه سال فعالیت و مبارزه توانست نقش مهمی در بسیج افکار بین المللی در مبارزه بر ضد استعمار و استبداد ایفا کند. جشن سالگرد «لیبریشن» با سخنرانی کوتاهی از سوی جرمی کوربین، درباره تاریخچه این سازمان آغاز شد. تونی بن، سخنران دیگر جلسه، که خود از بنیان گذاران و نخستین خزانه دار «لیبریشن» بوده است، در سخنرانی جالبش، ضمن اشاره به مبارزات ۵۰ سال گذشته در عرصه های مختلف، از جمله همبستگی با مردم آمریکای لاتین، خاورمیانه و آفریقا بر ادامه و گسترش چنین جنبش هایی تأکید کرد. در طول جلسه پیام های همبستگی احزاب کارگری و کمونیستی، از جمله از کشورهای ترکیه، عراق، هند، یونان و قبرس قرائت شد که مورد استقبال گرم حضار قرار گرفت. پس از سخنرانی جالب رفیق «مانوئل ریبدو دیاز»، دبیر اول سفیر کوبا در انگلستان، نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران سخنرانی خود را آغاز کرد و با اشاره به تاریخ طولانی فعالیت های «لیبریشن» در مبارزه بر ضد استعمار از کارزار همبستگی این سازمان، خصوصاً با زندانیان سیاسی ایران در دوران حکومت دیکتاتوری پلیسی شاه و سپس دفاع وسیع و بین المللی از مبارزات مردم ایران و پیروزی انقلاب بهمن ۱۳۵۷ و در دو دهه گذشته فعالیت همبستگی با مبارزان ایرانی که با سرکوب خشن و وحشیانه رژیم ولایت فقیه مواجه بوده اند، قدردانی کرد. نماینده حزب با اشاره به وضعیت بسیار بغرنج جهانی و تحولات خطرناکی که در منطقه خلیج فارس در یک سال اخیر رخ داده است و خصوصاً اشغال عراق، و حضور صدها هزار نیروی مسلح خارجی در منطقه و همچنین طرح این نظر که امپریالیسم جهانی تلاش دارد با تشدید نظامی گری هژمونی بی چون چرای خود را بر روابط بین المللی حاکم کند، وجود نهادها و سازمان هایی همچون «لیبریشن» را برای سازمان دهی مشترک جهانی بر ضد نو استعمار و جهانی شدن امپریالیسم ضروری دانست و اعلام کرد که حزب توده ایران همچون پنجاه سال گذشته در کنار دیگر سازمان های ترقی خواه و احزاب کارگری و کمونیستی جهان به همکاری های خود با «لیبریشن» ادامه خواهد داد. سخنرانی نماینده کمیته مرکزی حزب ما با استقبال گرم حضار روبه رو شد. برنامه جشن پنجاهمین سالگرد با برنامه های هنری جالب از ترکیه، هندوستان، انگلیس و ایرلند به پایان رسید.

ادامه دور نمای برنامه اقتصادی ...

خصوصی سازی صنایع کلیدی و راهبردی مانند صنعت نفت، پولاد، نیرو و معادن سراسر کشور با حرارت دنبال می شود.

یکی از مهمترین و درعین حال بحث برانگیزترین موارد خصوصی سازی مساله خصوصی کردن صنعت نفت ایران است. این سیاست در ماده سوم برنامه چهارم توسعه تحت نام سیستم بهره مالکانه گنجانده شده است. بر پایه سیستم بهره مالکانه تمام اختیارات بخش نفت اعم از سرمایه گذاری، برداشت و توسعه به شرکت ملی نفت ایران واگذار می شود که این امر سبب آن می گردد، دولت از گردونه نظارت، کنترل و تملک بر اصلی ترین منبع اقتصادی کشور، حذف شود. بهره مالکانه یا هر نام دیگری که به آن در آینده گذاشته شود، مقدمه و پیش درآمد خصوصی سازی صنایع نفت، گاز و پتروشیمی ایران است.

نکته مهم و فوق العاده با اهمیت در اینجاست که برخلاف تبلیغات پوچ و دروغین روزنامه ها و رسانه های مدافع ذوب در ولایت شورای نگهبان و مجلس هفتم با موضوع بهره مالکانه و اصل مطلب مخالفتی ندارند. مخالفت با چارچوب حقوقی و دعوا بر سر چگونگی اجرای آن و منافعی است که از آن حاصل می گردد و اینکه این منفعت به جیب چه کسانی و کدام طبقه و قشر اجتماعی سرازیر می شود!

ایرادات اخیر شورای نگهبان به برنامه چهارم توسعه و موضوع بهره مالکانه در صنعت نفت از این دیدگاه قابل بررسی است. در این خصوص مدیر پژوهش موسسه مطالعات انرژی طی گفتگویی با خبرگزاری مهر در اوایل ماه گذشته با صراحت به این نکته اشاره می کند؛ او گفته است: علل رد سیستم بهره مالکانه از سوی شورای نگهبان، مسکوت ماندن مباحث حقوقی میان شرکت ملی نفت و وزارت نفت و عدم اصلاح اساسنامه شرکت نفت از سال ۱۳۶۶ خورشیدی تاکنون، علیرغم لایحه قانونی از مهمترین اشکالات وارده برای رد بهره مالکانه بود.

به بیان روشن، بر سر اصل موضوع یعنی خصوصی سازی تدریجی صنعت نفت توافق وجود دارد، کشمکش بر سر چارچوب حقوقی است بعلاوه منافع لایه های معین از کلان سرمایه داری ایران! در این باره یعنی کشمکش میان دولت، مجلس و شورای نگهبان بر سر بهره مالکانه برای درک بهتر محتوی این درگیری خبر تشکیل یک کنسرسیوم برای شرکت در فعالیتهای نفتی با حضور سپاه پاسداران و شرکتهای خارجی خواندنی و شایان توجه جدی است.

روزنامه دنیای اقتصاد در تاریخ ۲۲ تیرماه سال جاری خورشیدی، خبری کوتاه را منتشر کرد که در آن به تشکیل کنسرسیومی با حضور سپاه پاسداران اشاره می شود. کنسرسیوم مذکور مرکب از قرارگاه سازندگی خاتم النبیه (سپاه پاسداران)، شرکت صدرا و شرکت نیروزی آکی کورنر می باشد که در مناقصه مربوط به مراحل ۱۵ و ۱۶ توسعه میدان عظیم گازی پارس جنوبی واقع در آب های خلیج فارس شرکت کرده است و احتمالاً برنده مناقصه خواهد شد. در این خبر آمده است: پاسدار سید اکبر مرتضوی معاون صنعت نفت قرارگاه خاتم النبیه سپاه روز یکشنبه ۲۱ تیرماه در گفتگویی با خبرگزاری جمهوری اسلامی خاطر نشان ساخت کنسرسیوم متشکل از سپاه، شرکت صدرا و شرکت نیروزی آکی کورنر از مرحله پیش ارزیابی عبور کرده و پیشنهادهای فنی و مالی خود را تحویل داده.

بر اساس آخرین اطلاعات دریافتی، این کنسرسیوم در مرحله ارزیابی فنی امتیاز قابل قبولی کسب کرده ... امیدواریم کنسرسیوم مزبور برنده نهایی مناقصه توسعه مراحل ۱۵ و ۱۶ میدان گازی پارس جنوبی باشد. ارزش قرارداد بیش از ۵/۱ میلیارد دلار است و در تماس هایی که با

جمهوری اسلامی بازتاب گسترده یافت و نشانه موفقیت قلمداد گردید؛ گزارشی نیز از سوی واحد اطلاعات اقتصادی اکونومیست (EIK) انتشار یافت. در این گزارش به تمایل شدید بانک های خارجی برای حضور در بازار پول ایران اشاره شده است.

در بخشی از این گزارش ضمن تاکید بر بکر بودن بازار پول ایران و وسعت فعالیت در آن که با سودهای هنگفت توأم خواهد بود قید گردیده: تمایل بانک های خارجی برای حضور در بازار پول ایران به شدت افزایش یافته ... این بانکها ترجیح می دهند برای ورود به بازار بکر ایران قدری انتظار بکشند تا مسایل حقوقی (ناشی از کشمکش دولت و مجلس) حل و فصل شود ... در واقع اصل مشارکت بخش خصوصی در خدمات مالی در ایران جا افتاده ... مجلس در سال ۲۰۰۰ میلادی ممنوعیت فعالیت بانک های خصوصی را که در اوایل ۱۹۸۰ میلادی (ابتدای انقلاب) وضع شده بود، لغو کرد و بانک مرکزی مجوز تشکیل چهار بانک خصوصی، پارسیان، سامان، کارآفرین و اقتصاد نوین را صادر کرد ... اکنون بزرگترین این بانک های خصوصی، بانک کارآفرین ۱۸ شعبه دارد و موقعیت آن با توجه به روند خصوصی سازی، خیره کننده است. به عنوان نمونه بانک کارآفرین از زمان آغاز عملیاتش، بیش از ۴۰۰ میلیون سرمایه اندوخته و نخستین موسسه ایرانی است که از بازوی سرمایه گذاری خصوصی بانک جهانی وام دریافت می کند.

بانک پارسیان نیز در ۱۸ ماه نخست تاسیس خود در اواخر ۲۰۰۱ میلادی ۵۳ هزار مشتری را گرد آورده و سرمایه قابل توجهی اندوخته است.

گزارش مذکور در پایان با بر شمردن فواید بازار پول ایران و تاکید بر اینکه همه جناح ها با خصوصی سازی در کل و فعالیت بانک های خصوصی موافقت دارند از برخی بانک های خارجی که در انتظار ورود به ایران هستند نام می برد. بانک هایی مانند استاندارد چارتر، بی ان بی پارسیاس، کامرز بانک، اچ اس بی سی و بانک توکیو- میتسویشی نیز اشاره می کند که یکی از مقامات بانک استاندارد چارتر گفته است: ما اکنون یک شعبه در جزیره کیش واقع در خلیج فارس داریم، اما بازار داخلی ایران آنچنان بکر و دست نخورده است که ما می خواهیم از منطقه آزاد تجاری کیش سکوی پرشی برای ورود به سرزمین اصلی ایران استفاده کنیم.

علاوه بر بانک های خصوصی، گسترش بازار بورس تهران و افتتاح شعبه های آن در شهر های بزرگ نظیر اصفهان، تبریز، شیراز و مشهد و ایجاد امکانات پیشرفته اینترنتی برای دسترسی به تغییرات سهام بورس و شفاف سازی بازار پول در کنار گشایش درهای بازار بورس به روی شرکت های خارجی و انحصارات فراملی در دستور کار قرار داشته و با شتاب در حال پیاده شدن است. در این ارتباط روزنامه آلمانی هنداز بلات چندی پیش در یک بررسی از بازار بورس تهران از جمله نوشت: درهای بورس تهران به روی سرمایه های خارجی باز می شود. برنامه های تازه بی که برای بورس تهران و خصوصی سازی صنایع و تاسیسات دولتی و نیمه دولتی پیش بینی شده، راه اقتصاد بازار را همراه می کند. این اقدامات مورد توجه دقیق طرفهای تجاری ایران در غرب قرار گرفته است.

به موازات گسترش بازار بورس و نفوذ هرچه بیشتر سرمایه امپریالیستی در حیات اقتصادی کشور، برنامه خصوصی سازی به ویژه

ادامه دور نمای برنامه اقتصادی ...

دست بگیرد... من فکر می کنم این ماجرا در حال گسترش است... ترکیب مجلس هفتم قابل توجه است... این طبقه جدید در طول چند سال اخیر بنادر آزاد و بسیاری از پروژه های عمرانی را در اختیار داشت و در عرصه اقتصادی بسیار فعال عمل کرد و سودهای کلانی را دریافت کرده با ورود به عرصه سیاست حداقل از اقتصاد بازار (سرمایه داری) دفاع خواهد کرد و در نتیجه آرام آرام دموکراتیزه خواهد شد.

این طبقه و یا اگر عملی تر گفته باشیم این لایه از سرمایه داری ایران فرزند خلف برنامه های اقتصادی است که از سال های نخست دهه ۷۰ خورشیدی به دستور صندوق بین المللی پول به وسیله رفسنجانی در ایران پیاده شد و پس از دوم خرداد علیرغم میل و اراده توده های میلیونی کارگران، زحمتکشان و قشرهای میانه حال بوسیله دولت خاتمی و با حمایت مجلس ششم ادامه یافته و گسترش پیدا کرد.

منشاء و ریشه این لایه نو پدید و در حال رشد طبقه سرمایه داری ایران در برنامه های فوق الذکر قرار دارد. به عنوان مثال این نیرو در قالبی رشد و قوام می یابد که در آن و در اثر اجرای برنامه های اقتصادی دیکته شده از سوی امپریالیسم تولید ملی در حال فروپاشی است. روزنامه شرق در تاریخ ۲۳ تیرماه در سر مقاله خود اوضاع اقتصادی در اثر اجرای برنامه سوم توسعه را چنین توصیف کرده است: ورود ۷/۶ میلیون تن کالا به ارزش ۶/۷ میلیارد دلار در سه ماهه نخست امسال رکود و ورود کالاهای خارجی را به نام دولت ثبت کرد. این رقم در تمام سال های نیمه اول دهه ۷۰ (خورشیدی) که به سال های درهای باز مشهورند بی سابقه بوده و رقم کل واردات ایران را در سال جاری به بیش از ۳۲ میلیارد دلار خواهد رساند. حال آنکه میزان صادرات کالاهای غیر نفتی در همین مدت ۶/۳ میلیون تن کالا به ارزش کمتر از ۴/۱ میلیارد دلار بوده است.

سیاست یکسان سازی نرخ ارز به دستور صندوق بین المللی پول باعث ورشکست تولید کنندگان داخلی شده است. از سال ۱۳۷۹ خورشیدی هر سال بطور متوسط ۱۵ درصد تورم رسمی اعلام شده به بیان دیگر هر سال ۱۵ درصد مطابق آمار دولتی از ارزش و قدرت خرید ریال یعنی پول ملی برای همه کالاها کاسته شده است.

تولید کنندگان داخلی اینک برای حفظ قدرت رقابت باید ماهیانه یک تا یک و نیم درصد از هزینه تولید خود بکاهند تا ورشکست نشوند. این کاهش هزینه از کجا تامین می شود، در وهله اول از نیروی کار یعنی از دستمزد زحمتکشان. اکنون با اجرای برنامه سوم توسعه نوعی مصرف گرایی کاذب و پوشالی که فقط آسایش موقت یک قشر اجتماعی را فراهم می کند پدید آمده و ما شاهد آنیم که در کنار تعطیلی و ورشکستگی واحدهای تولیدی و کارخانجات متعدد بهترین فروشگاه ها در شهرهای بزرگ مملو از کالاهای گوناگون خارجی است.

کوتاه سخن: سمت گیری اقتصادی اجتماعی که از مدتها پیش از سوی رژیم ولایت فقیه اتخاذ شده، علیرغم مانورهای موزیانه ارتجاع به ویژه مجلس هفتم، هیچگونه تغییری نخواهد کرد. این سمت گیری همچنان در جهت تامین منافع کلان سرمایه داری ایران خواهد بود.

وزارت نفت داشته ایم، این وزارت در نظر دارد مراحل ۱۵ و ۱۶ را به صورت تامین مالی (فاینانس) و با تعریف شفاف تری از روش های قبلی انجام دهد... پاسدار مرتضوی افزود: در این طرح، بخش خشکی با سپاه، بخش دریا با شرکت صدرا و کار مدیریتی و مدیریت کلان و فنی با شرکت نیروی می باشد... مجموعه قراردادهای فعلی سپاه پاسداران با وزارت نفت حدود ۷ تریلیون ریال است.

به این ترتیب مضمون کشمکش بر سر برخی مسایل مربوط به برنامه اصلاح ساختار اقتصادی و خصوصی سازی و از جمله سیستم بهره مالکانه روشن است. بی هیچ رو در اینجا ما با دلسوزی و یا نظر داشت به منافع ملی حقوق مردم و عدالت اجتماعی و جز اینها، سر کار نداریم. ارتجاع حاضر نیست موقعیت ممتاز طبقاتی را که کسب کرده از دست داده و یا به سادگی با دیگران تقسیم کند.

مخالفت های انجام گرفته در ماههای اخیر از سوی مجلس هفتم و شورای نگهبان در راستای تامین منافع لایه های معینی از سرمایه داری ایران است که در دهه های اخیر با غارت ثروت ملی به یک قدرت اقتصادی و در نتیجه سیاسی خطرناک و غیر قابل مهار در عرصه داخلی تبدیل شده و با اصل تامین منافع ملی تامین حقوق شهروندان و عدالت اجتماعی بکلی بیگانه و مخالف است!

مخالفت با بهره مالکانه و یا سنگ اندازی در راه اصلاح سیستم بانکی با برنامه ریزی و به شکل هدفمند و سازمان یافته صورت می گیرد. ارتجاع درنده خوی ایران برای حفظ موقعیت خود از همه اهرمها سود می برد. بطور مثال همچنانکه در مورد صنایع نفت و گاز اشاره کردیم، در ارتباط با فعالیت بانکهای خصوصی نیز همین ماجرا و با همین مضمون اتفاق افتاده و می افتد. موضوع درگیری بر سر قانونیت بخشیدن به فعالیت صندوق های قرضه الحسنه یکی از این موارد است. صندوق های قرض الحسنه که تحت هدایت سازمان اقتصاد اسلامی فعالیت می کنند، برای خود موقعیتی انحصاری در سیستم بانکی و بازار پولی کسب کرده اند که حاضر نیستند به آسانی آن را از دست بدهند.

معاون اقتصادی وزیر امور اقتصاد و دارایی در گرماگرم درگیری میان بانک مرکزی و صندوق های قرض الحسنه با تاکید بر توافق بر سر خصوصی سازی بانکها و موافقت شورای نگهبان با آن یادآور شد: در حال حاضر ۹۰ درصد صندوق های قرض الحسنه نه تنها مشکلی ندارند، بلکه نقش مثبت هم ایفا می کنند، فقط تعداد اندکی هستند زیر پوشش این نام کاربانکی و تجاری انجام می دهند. مثلاً مسئول یکی از صندوق های اصلی قرض الحسنه به بچه ۲۰ ماهه خود وام ۴۰ میلیون تومانی ازدواج داده است و یا اینکه در برخی صندوق ها، صاحبان آن شرکتی تاسیس و به شرکت خود وام ۸۰۰ میلیونی داده اند...

نباید فراموش کرد فعالیت غیر قانونی صندوق های قرض الحسنه در پیوند با اسکله های غیر مجاز و قاچاق کالا به داخل کشور قرار دارد. راس این مثلث مافیای سپاه - بازار قرار دارد که توان مالی و امکاناتی فوق العاده بی را دراراست. به بیان روشن اینک یک نیروی نو پدید ارکان حیات اقتصادی سیاسی را به دست گرفته و در حال پیش روی است و موقعیت خود را در هرم قدرت تحکیم و تثبیت می کند. در این باره چندی پیش روزنامه شرق مصاحبه یی به تاریخ ۲۱ تیرماه با شمس الواعظین داشت تحت عنوان ظهور طبقه جدید قدرت. وی در این باره از جمله گفت: ... هر سیستمی در جهان به طبقه ای نیازمند است که در ساخت های حیاتی قدرت اجتماعی و سیاسی نفوذ پیدا کند و بافت های آن را به

ادامه سالروز پذیرش قطعنامه ۵۹۸...

میلیارد دلار خسارات اقتصادی به کشور ما وارد شد. هنگامی که حزب توده ایران در خرداد ماه ۱۳۶۱، سران رژیم را به بهره برداری از این فرصت طلایی و خاتمه جنگ ترغیب کرد، موسوی اردبیلی، رئیس وقت قوه قضائیه رژیم این حرکت ها را موزیانه و «زهر ریختن» و دیگران، از جمله نخست وزیر وقت خمینی، به دلیل دنباله روی از اتحاد شوروی اعلام کردند.

بر خلاف ادعای نادرست اعلامیه سپاه پاسداران، سران رژیم شش سال پیش از قطعنامه ۵۹۸، این امکان را داشتند که به جنگ و خونریزی پایدار دهند و اگر قبول کنیم که ادامه جنگ به خاطر موفقیت سیاست های «استکبار جهان» بود باید قبول کرد که رژیم ولایت فقیه و سران آن سهم اساسی و تعیین کننده اجرای این سیاست خانمانسوز را بر عهده داشتند. نکته جالب تر این که قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت در سال ۱۳۶۶، یعنی یک سال پیش از پذیرش آن از سوی رژیم به تصویب این شورا رسید. کمیته مرکزی حزب ما در همان هنگام با انتشار اعلامیه یی حکومت ایران را به پذیرش این قطعنامه فرا خواند، ولی سران رژیم به هم صدا خواندن حزب ما با رسانه های امپریالیستی بر ضرورت ادامه جنگ تأکید کردند. واقعیت این است که شکست سنگین نیروهای ایرانی در فاو، حلبچه و جزیره مجنون که به کشتار ده ها هزار جوان ایرانی منجر شد و اوج گیری وسیع جنبش ضد جنگ همراه با تظاهرات گوناگون در شهرهای مختلف سران هراسناک رژیم را به پذیرش صلح و خمینی را به «نوشیدن جام زهر» صلح مجبور ساخت. «نامه مردم»، شماره ۲۱۷، در مقاله یی که در همان روزها، یعنی سه شنبه ۵ مرداد ماه ۱۳۶۷ منتشر کرد در زمینه شکست مفتضحانه سران رژیم و پخش اطلاعاتی ۹۰ دقیقه ای خمینی از رادیو از جمله نوشت: «در پیام ۹۰ دقیقه ای خمینی گفته می شود که پذیرش قطعنامه ۵۹۸ در مسیر مصلحت اسلام و مسلمین است. این چه اسلامی است که مصلحت آن یک روز کشتار جمعی انسان ها در جبهه ها را ضرور می سازد و روز دیگر پایان دادن به جنگ را با تأخیر شش ساله تجویز می کند. مردم ما حق دارند پرسند چرا و به چه علنی شش سال پیش وقتی ابتکار عمل در دست نیروهای مسلح ایران بود برای دفاع از «اسلام» پشت میز مذاکره نشستند و یا چرا یک سال قبل چنین دفاعی جایز نبود...» جالب اینجاست که درست پس از این شکست فاجعه بار و قبول اجباری قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت بود که سران رژیم، خصوصاً رفسنجانی، خامنه ای و محسن رضایی، فرمانده سپاه، به همراه دیگران نزد خمینی رفتند و با اعلام خطیر بودن اوضاع و بالا گیری موج اعتراضی توده های خشمگین از ادامه بیهوده شش سال جنگ و خونریزی، خواستار کشتار جمعی زندانیان سیاسی ایران و تشدید جو سرکوب خونین در میهن ما گردیدند.

درست در پی همین قطعنامه بود که خمینی و سران رژیم با استفاده از بهانه همکاری نیروهای مجاهدین با دولت عراق و حمله به مرزهای ایران فرمان قتل عام هزاران زندانی سیاسی ایران را صادر کردند و بدین ترتیب مرتکب یکی از هولناک ترین جنایات سیاسی تاریخ معاصر میهن ما شدند. پایان جنگ و تحمیل صلح به رژیم همراه بود با کشتار شدن خونریزی و جنایت به درون زندان های کشور و انتقام گیری از اسیران بی دفاعی که تنها جرمشان مخالفت با استبداد، جنگ و خونریزی و سرکوب بود. پایان جنگ، آغاز فاجعه ملی کشتار زندانیان سیاسی ایران و نمایشگر روشن ماهیت عمیقاً ضد

انسانی و جنایتکارانه کسانی بود که دائماً از «اخلاق و رثوت اسلامی» دم می زدند و در واقعیت عملکردشان کوچکترین تفاوتی با جنایتکاران و دیکتاتورهای همچون صدام حسین نداشت.

تجربه بیست و پنج سال گذشته میهن ما و سیاست های گوناگونی که رژیم ولایت فقیه در مقاطع بسیار حساس و سرنوشت ساز کشور اتخاذ کرده است همگی موید و نشانگر یک واقعیت است و آن این که رژیم ولایت فقیه، در جنگ، صلح و پس از آن عمدتاً سیاست هایی را اتخاذ کرده است که در تضاد آشکار با منافع ملی میهن ما قرار داشته و دارد و از این رو دور نیست آن روز که سران رژیم ولایت فقیه نیز همچون صدام حسین و نزدیکان او در دادگاه مردم میهن ما به جرم خیانت به منافع ملی ایران و جنایت جنگی و جنایت بر ضد شهروندان به پای میز محاکمه کشیده شوند.

«اتحاد، مبارزه، پیروزی»

پنجمین سالگرد تهاجم گزمنگان رژیم به دانشجویان دانشگاه های ایران در کشورهای مختلف جهان با تظاهرات اعتراضی علیه سیاست های سرکوبگرانه حاکم، در خواست خاتمه حاکمیت جهل و ستم و در حمایت از مبارزه جنبش حق طلبانه مردم میهن برگزار شد. اعضای و هواداران حزب توده ایران در پنجمین سالگرد ۱۸ تیر در خارج کشور در آکسیون های متنوعی که در مراکز پر تردد شهرهای بزرگ و یا در مقابل مراکز نمایندگی رژیم از سوی نیروهای اپوزیسیون برگزار شد با حمل پلاکاردهای افشاگرانه و شعارهای اتحاد طلبانه در دفاع از مبارزه دانشجویان و سایر گردان های جنبش اعتراضی مردم میهن، شرکت فعال داشتند.

در نیکوزیا، پایتخت قبرس، امسال در روز پنجشنبه ۱۸ تیرماه مراسم چشمگیر و موفقی با هماهنگی بین هواداران حزب توده ایران و شاخه جبهه ملی ایران در قبرس در مقابل سفارتخانه رژیم برگزار شد. این مراسم با راهپیمایی تظاهرکنندگان که پلاکاردهای اتحاد جویانه و در مذمت سیاست های رسوای رژیم ولایت فقیه حمل می کردند، در مسیر سفارت جمهوری اسلامی آغاز شد و توجه بسیاری از ترددکنندگان و ساکنین نیکوزیا را به خود جلب کرد. شعارهای تظاهرکنندگان در رابطه با خواست پایان حکومت سرکوب، بازداشت، شکنجه و ترور در کشور که به زبان های فارسی، انگلیسی و یونانی داده می شد، توجه هزاران شهروند قبرسی را به این مراسم جلب کرده بود. از جمله دیگر شعارها: «دانشجوی زندانی آزاد باید گردد، باطنی قهرمان آزاد باید گردد»، «ما خواستار دموکراسی هستیم، رژیم با شکنجه پاسخ می دهد»، «در دانشگاه، در زندان، دانشجوی می نویسد یا مرگ یا آزادی»، «زندانی سیاسی آزاد باید گردد، دانشجوی زندانی آزاد باید گردد»، «یاران ما زندانند، زندانبانان جلا دهند»، «آزادی، امنیت، حکومت عدالت، اینست شعار ملت». در سخنرانی هایی که از سوی سازمان دهندگان مراسم یادبود ۱۸ تیرماه در مقابل سفارت رژیم در قبرس ایراد شد، خواسته های عمده مردم زحمتکش میهن انعکاس برجسته یی داشت. از جمله در این مراسم سخنگوی شاخه جبهه ملی در قبرس سخنانی در رابطه با لزوم مبارزه متحد همه نیروهای دموکرات، میهن پرست و آزادیخواه علیه سیاست های سرکوبگرانه رژیم ایراد کرد و پس از آن یک رفیق زن شعر «دوباره می سازمت وطن»، سروده شاعره سرشناس ایران، خانم سیمین بهمانی را دکلمه کرد. در ادامه یکی از رفقای هوادار حزب توده ایران در باره هجده تیر و سابقه تاریخی جنبش دانشجویی در کشور و عملکرد جنایتکارانه و خیانت بار رژیم در بیست و پنج ساله گذشته سخن گفت. این مراسم افشاگرانه و موفقی پس از سخنان نماینده جبهه ملی و با سخنرانی رفیق دیگری در رابطه با مشخصه های عدم توانایی رژیم ولایت فقیه در تأمین امنیت ملی میهن به پایان رسید.

«نسل کشی روزنامه نگاری را

متوقف کنید»

تعطیلی روزنامه ها و دور تازه فشار بر مطبوعات و روزنامه نگاران و واکنش هایی را برانگیخت. بنا بر گزارش پایگاه اینترنتی «امروز» انجمن صنفی روزنامه نگاران در اعتراض به توقیف روزنامه «وقایع اتفاقیه» و «تعطیل اختیاری» روزنامه جمهوریت بیانیه بی صادر کرد. در این بیانیه «این گمانه و تحلیل که برخورد با آزادی بیان به عنوان یک راهبرد پایانی ندارد» و با اشاره به بلاتکلیف ماندن نشریاتی که در گذشته تعطیل شده اند و همچنان در بلاتکلیفی به سر می برند و با اشاره به روزنامه نگارانی که «برای چندمین بار شغل خود را از دست داده اند» خواهان رفع توقیف روزنامه «وقایع اتفاقیه» و انتشار مجدد روزنامه «جمهوریت» و سایر نشریات توقیف شده در سال های اخیر شدند.

در همین رابطه بیش از ۱۵۰ روزنامه نگار در اعتراض به تعطیلی روزنامه ها در نامه بی به وزرای ارشاد و کار به روندی که آغاز شده اشاره کرده و به حق انتخاب شغل و عدم امنیت شغلی «آینده ای تاریک برای روزنامه نگاران ایرانی است که به صرف اشتغال در نشریه ای که توقیف می شود، امکان انتخاب شغل از آنان سلب می شود و صاحبان نشریات ریسک به کارگیری آنان را نمی پذیرند...» و خواهان احقاق حقوق روزنامه نگاران با اشاره به وظیفه «نهادهای ذیربط نظیر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و وزارت کار و امور اجتماعی و همه مقام هایی که هنوز به حقوق مردم احترام می گذارند» شد. و در انتها اسامی امضاء کنندگان آمده.

بر اساس گزارش روز نت «بامداد» انجمن دفاع از آزادی مطبوعات ایران نیز در پی نشست فوق العاده خود در ۲۸ تیرماه با اشاره به «توقیف روزنامه وقایع اتفاقیه، مجله آفتاب و توقف انتشار جمهوریت با دستور دادستان تهران همزمان با دادگاه رسیدگی به پرونده قتل زهرا کاظمی خبرنگار - عکاس، ایرانی - کانادایی، حلقه دیگری از زنجیره برخورد با روزنامه نگاران و نا امن کردن محیط تولید فرآورده های فرهنگی و نشانه برجسته ای از چگونگی دادگاه زهرا کاظمی تلقی می شود.» در ادامه این بیانیه «ضمن محکوم کردن اقدام قوه قضائیه در ادامه توقیف فله ای مطبوعات نکات زیر را مورد تاکید قرار می دهد:

۱. ادامه سیاست سرکوب مطبوعات، ایجاد ناامنی در حرفه روزنامه نگاری، سلب امنیت شغلی و حرفه ای روزنامه نگاران، احضار و بازجویی و بازداشت روزنامه نگاران در مجموع راهبرد نسل کشی روزنامه نگاری و کشتار جمعی مطبوعات ایران را در ذهن متبادر می کند. دادستانی تهران با پیگیری این استراتژی و نیز با محدود و سرکوب کردن بقیه حوزه های فرهنگی نظیر فیلتر گذاری سایت های خبری، عرصه فعالیت های فرهنگی ایران را به زمینی سوخته تبدیل کرده است...

۲. چنانچه انجمن دفاع از آزادی مطبوعات بارها اعلام کرده است پرونده زهرا کاظمی با استناد به دو گزارش کمیته منتخب ریاست جمهوری و گزارش کمیسیون اصل نود مجلس (دوره ششم)، یک متهم مشخص دارد که افکار عمومی بارها انگشت اشاره به او نشانه رفته است و با احضار متهمان اصلی و بازجویی از آنها پرده از راز این قتل برداشته خواهد شد.

۳. جریان مذکور فقط در پرونده زهرا کاظمی متهم شناخته نمی شود بلکه از سال ۷۷ تاکنون مسئول صدور احکام سنگین و ظالمانه و غیر قانونی علیه روزنامه نگاران و مدیران مسئول مطبوعات بوده و شکایات متعدد اهالی مطبوعات در دادرسی انتظامی قضات علیه دادستان کنونی تهران مسکوت مانده. قوه قضائیه با انتخاب این روش و با اعلام سعید مرتضوی به عنوان مدیر نمونه قصد داشته با دو قوه مجریه و مقننه (مجلس ششم) مقابله کرده و حتی منافع ملی کشور را برای حفظ این شخص به مخاطره اندازد. انجمن دفاع از آزادی مطبوعات توجه مقامات عالی کشور را نسبت به اقدامات اخیر قوه قضائیه در حوزه اطلاع رسانی و مطبوعات جلب کرده، پیامدهای مخاطره آمیز آن را که چیزی جز نسل کشی روزنامه نگاران نیست، یادآور می شود.»

ادامه تلاش پوتین برای انشعاب ...

اعضای حزب را به سوی خود بکشد، بسیار ضعیف به نظر می رسد.

زمانی که حزب کمونیست، «گنادی سلژنوف» را که یکی از اعضای شاخص حزب و سخنگوی دوما بود، به دلیل نزدیک شدن به مواضع رژیم و دفاع از آنها در مجلس، از حزب اخراج کرد، او دست به تشکیل یک حزب جدید به نام «حزب تولد دوباره روسیه» زد که در مدتی بسیار کوتاه با شکست جدی روبرو شد. سی می گین، تیخونوف، آستراخان کینا و غیره، هیچ کدام از نظر شایستگی و توانایی، قابل مقایسه با سلژنوف نیستند و از نظر حزبی نیز در سطح بسیار نازل تری قرار دارند. اما مهم این است که باید دید چنین پدیده ای بر چه اساسی صورت گرفته و چه چیزی را در مورد دولت «روسیه مدرن» افشا می کند. ماموریت «نفوذ» و تشکیل دهمین کنگره «آلترناتیو»، بخشی از یک طرح ماهرانه و به یقین پر خرج دولت برای حمله به تنها اپوزیسیون واقعی کشور است.

برگزاری دهمین کنگره حزب کمونیست فدراسیون روسیه، با یک سری خرابکاری از جمله قطع برق سالن بزرگ «اسماعیلوف» و سیستم تهویه مطبوع در زمان ارایه گزارش «زیوگانف» به کنگره به منظور جلوگیری از برگزاری آن همراه بود. این امر سبب شد تا او گزارش خود را در نور چراغ قوه و در سالتی بدون تهویه ارایه دهد. تیخونوف و پوتاپوف، از حزب اخراج شده اند. هم اکنون، «ماموریت نفوذ» برای همه مردم افشاء شده است، صرف نظر از این که آیا «حزب آلترناتیو» بتواند نام حزب کمونیست فدراسیون روسیه را بگیرد یا نه، به عقیده نیروهای اصیل چپ روسیه، آشتی با سیستم سیاسی موجود کشور ممکن نیست.

زیوگانف در خطاب به دهمین کنگره حزب کمونیست فدراتیو روسیه، سی می گین و عواملش را متهم به آن کرد که می خواهند: «حزب را از ماهیت طبقاتی آن تهی سازند - در اصل می خواهند آن را به مثابه نماینده توده های ستم دیده و گرایش ترقی خواهانه در قبال تحولات اجتماعی منهدم کنند.»

مبارزه برای آینده جنبش کمونیستی در روسیه پایان نخواهد پذیرفت، اما کمونیست های روسیه این را مشخص کرده اند که به مداح رژیم تبدیل شدن و یا سوسیال دموکراتیزه شدن را هرگز نخواهند پذیرفت.

تلاش پوتین برای «انشعاب» در حزب

کمونیست فدراسیون روسیه

حزب کمونیست فدراسیون روسیه، با بیش از ۵۶۰ هزار عضو و ده میلیون رای، یکی از بزرگترین احزاب کمونیستی در جهان است که در دولت شرکت ندارد و تنها حزب اپوزیسیون در مجلس روسیه (دوما) است.

حزب کمونیست فدراسیون روسیه در هفته اول ژوئیه، دهمین کنگره خود را در مسکو برگزار کرد. گزارش برگزاری کنگره اخیر حزب کمونیست فدراتیو روسیه از این نظر نیز حائز اهمیت است که این کنگره در اوج حمله بی آشکار برای از هم پاشاندن حزب و لطمه زدن به اعتبار آن که از سوی کرملین طراحی شده بود، رو به رو گردید. شکل این حمله به صورت تشکیل یک کنگره «آلترناتیو» و با حضور مشتکی از معترضان کمیته مرکزی بود، که در جریان یک «پلنوم» قبل از کنگره، «دستور» اخراج رهبری حزب، از جمله صدر آن «گنادی زیوگانف» را اعلام کرده بودند. صدر این «حزب کمونیست فدراسیون روسیه (آلترناتیو)»، ولادیمیر تیخونوف، فرماندار کنونی منطقه ایوانف، در بخش اروپایی روسیه است. در پشت سر او، گنادی سی می گین قرار دارد، میلیونری که چندی پیش به دلیل تلاش برای تبدیل حزب کمونیست به یک حزب سوسیال دموکرات و یک «اپوزیسیون وفادار»، از حزب اخراج شده بود. در پس برنامه های او نیز ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه قرار دارد.

کنگره «آلترناتیو» در محلی مخفی تشکیل شده بود، و شاید بیشترین دلیل برای آن، افشا نشدن تعداد کم شرکت کنندگان در آن باشد. اما با این حال اعلام شد که کنگره با «حضور ناظرین» وزارت دادگستری صورت گرفته است.

حزب کمونیست فدراسیون روسیه، در دوره پس از بحران های سیاسی متوالی که در پی فروپاشی اتحاد شوروی و پس از سال ۱۹۹۳، در روسیه وجود آمد، همیشه در صحنه و به عنوان نیروی اپوزیسیون جدی در برابر دولت وجود داشته است. اما این حقیقتی است که تا زمانی که اپوزیسیون اصلی دولت، حزبی است که حاضر نیست تا طبق قوانین بازی های بورژوازی دموکراتیک عمل نماید، دموکراسی بورژوازی نمی تواند شکوفا شود.

حزب کمونیست فدراتیو روسیه، قانون اساسی کشور را به رسمیت نمی شناسد و اعلام استقلال روسیه را در خروج از اتحاد شوروی غیر قانونی می داند. کاندیدای حزب کمونیست فدراسیون روسیه، در انتخابات ریاست جمهوری سال گذشته با شعار احیای شوروی پا به کارزار انتخاباتی گذاشت و توانست، علیرغم تقلب های جدی، در جای دوم قرار بگیرد.

شواهد فراوانی از تلاش و تمایل کرملین برای ایجاد یک حزب سوسیال دموکرات «وفادار» که بتواند با کنار زدن حزب کمونیست، در هیئت یک حزب اپوزیسیون پارلمانی دست آموز، عمل کند، وجود دارد.

در حال حاضر نیز «سی می گین» و طرفداران او در حزب کمونیست فدراتیو روسیه «آلترناتیو»، از طرف روزنامه ها به عنوان آلترناتیو معرفی می شوند، یک آلترناتیو چپ بی خطر. یک تفسیر دیگر اینست که هدف کرملین قبل از اینکه تراشیدن جایگزینی برای حزب کمونیست باشد، نابودی عملی و کامل آن می باشد و این تفسیر به واقعیت نزدیک تر است. اما «آلترناتیو» جدید، نمی تواند معرف رهبری معتبری برای اپوزیسیون در روسیه باشد. سی می گین، یک سرمایه

دار نه چندان معروف است و شناخت او به مثابه پرچمدار جناح راستگرای حزب کمونیست قبل از اینکه انعکاس قابلیت های او باشد، آمادگی طبقاتی او برای ایفاء نقش ویرانگر درون حزب کمونیست است.

تیخونوف نیز در خارج از محدوده منطقه خود، نا شناخته است. بقیه نیز به مانند «آستراخان کینا»، «پاتا پوف»، «کوایف»، و «کنیش»، در کنار سی می گین، همه به عنوان مهره های شرکت کننده در «عملیات نفوذ» مطرح هستند. به هر حال، «آلترناتیو» جدید از طرف اعضا و هواداران شاخص حزب کمونیست فدراسیون روسیه منجمله نیکولای خاریتونوف (کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۰۴)، سردبیران روزنامه های اصلی اپوزیسیون نظیر «سویتسکایا روسیا» و «ذاوتر»، والتین کایستوف که اخیراً از سمت خود به عنوان معاون صدر کناره گیری کرد، و چهره های جناح چپ حزب کمونیست اتحاد شوروی در دوره گورباچف نظیر استارودوبستوف، لویگانوف و لیگاچوف محکوم و تقبیح شده است.

گفته می شود که سی می گین و همدستانش در دوره قبل از کنگره روزی ۶۰ میلیون صرف تبلیغات ضد زیوگانف کرده اند. تیخونوف عملاً تصدیق کرده است که او با رژیم حاکم در کرملین همکاری داشته است. او در دفاع خود در مقابل اتهام اینکه او و همدستانش به تحریک پوتین به این عمل دست زده اند به یک خبرنگار گفت: «ضروری نیست که بگویم من قبل از کنگره هیچ بحث و گفتگویی با نمایندگان رئیس جمهور نداشتم... ولیکن از زمان همه این اتفاقات، من با یک نماینده دولت صحبت کرده ام. من فکر می کنم که منطقه ایوانوف اکنون از شرایط بهتری برخوردار خواهد شد.»

حزب آلترناتیو، در حال حاضر، به وزارت دادگستری فشار آورده است تا جواز فعالیت حزب کمونیست فدراسیون روسیه را لغو کند و حزب جدید را جایگزین آن کند. با در نظر گرفتن اینکه آنها دوستان «شاخص تری» در مقایسه با زیوگانف، در بین «مقامات بالا» دارند و این امکان بیشتری برای موفقیت آنها می دهد. ولیکن این یک موفقیت توخالی و بوروکراتیک است، چرا که در کنفرانس های منطقه بی قبل از کنگره ماهیت طرح «نفوذ» افشاء شد و کمتر از ۱۰ درصد سازمان های حزبی از شعار تغییر رهبری حمایت کرده اند.

بنا به اسناد کنگره حزب کمونیست فدراتیو روسیه، تنها ۶۱ نفر از دعوت شدگان به کنگره شرکت نکرده بودند که کمتر از یک پنجم تعداد کل دعوت شدگان بود و این بالاترین تعدادی است که می توانند در کنگره حزب آلترناتیو شرکت کرده باشند و این احتمال که حزب آلترناتیو بتواند بخش جدی از

ادامه در صفحه ۷

20 July 2004

شماره فاکس و
تلفن پیام گیر ما

۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e.V.

شماره حساب 790020580

کد بانک 10050000

بانک Berliner Sparkasse

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هر گونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
3. <http://www.tudehpartyiran.org>

Nameh Mardom-NO 691

Central Organ of the Tudeh Party of Iran